

## عوامل مؤثر بر رشد کلامی کودک

دارد؟ علت اختلاف کودکان در رشد زبان چیست؟

این سوالات زمینه تحقیقات متعددی را فراهم کرده و نظریات متفاوتی درباره آنها داده شده است که هر کدام رویکرد خاصی داردند. در این مقاله ابتدا بعضی از نظریه‌هایی را که در مورد رشد و فراگیری زبان ارائه شده است مختصرًا بیان کرده و سپس عواملی را که به نظر می‌رسد در پیشرفت زبان کودک می‌تواند مؤثر باشد ذکر می‌کنیم.

مریم مهروان

همه موجودات زنده در طول حیات خود همواره با مشکلاتی مواجه می‌گردند که ناگزیرند برای آنها راه حل‌هایی پیدا کنند. همچنین نیازهایی دارند که باید برآورده شود، به منظور رفع نیازها و تحقق خواسته‌هایشان ناچار به نحوی با همنوعان خود ارتباط برقرار می‌کنند و از این رهگذر پایه‌های زندگی اجتماعی خود را نیز هموار می‌نمایند.

نظریه یادگیری  
به اعتقاد رفتارگرایان به ویژه اسکینر زبان آموزی کودک بر همان اصولی استوار است که یادگیری او حاصل می‌شود. اسکینر همان طور که مکانیزم‌های «تقلید از الگو» و «تقویت (پارادش)» را در فراگیری و تغییر رفتارهای کودک مؤثر می‌داند زبان آموزی او را هم تحت تأثیر این دو عامل می‌داند. وی معتقد است کودک در جریان رشد خود به تولید صدای ای می‌پردازد که ممکن است به طور تصادفی شبیه کلماتی معنی‌دار باشد، کودک به خاطر این کار از طرف بزرگسالان تشویق می‌شود و این تقویت باعث می‌شود که آن کلمات را تکرار کند. و به تدریج که رشد می‌کند حرف زدن خود را با گفتار بزرگسالان شبیه می‌کند، زیرا که این رفتار



# عوامل مؤثر بر رشد کلامی کودک

در بین موجودات زنده انسان به دلیل دستگاه صوتی پیشرفته‌اش از راه زبان رابطه ایجاد می‌کند. از طریق گفتار که صورت بالفعل زبان است، بشر خواسته‌ها و افکار و احساسات دیگران را می‌فهمد و افکار و خواسته‌های خود را منتقل می‌کند. پس زبان به عنوان یک عامل ارتباط اجتماعی برای انسان به شمار می‌رود و همیشه مورد توجه اندیشه‌وران بوده است. آنچه که بیش از همه در نظر محققان اهمیت داشته چگونگی رشد زبان در کودکان است. سوالات فراوانی درباره این موضوع مطرح می‌شود از جمله: چه عواملی باعث رشد پیشرفت زبان در کودک می‌شود؟ آیا این عوامل درونی است یا بیرونی؟ مکانیزم‌های فطری در این میان چه نقشی دارند؟ آیا به رشد و توانایی‌های شناختی او بستگی

سریع می‌کند. در این قسمت به بعضی از این عوامل که اساسی‌تر به نظر می‌رسد اشاره می‌شود.

### عوامل زیستی

از عناصر مهمی که در رشد کلام کودک تأثیر مهم دارد بیولوژیکی می‌باشد که عبارتند از:

۱- رشد داخلی: می‌دانیم که کودک مرحله رشد را به طور طبیعی طی می‌کند و در هر مرحله‌ای توانایی یا توانایی‌هایی را کسب می‌نماید. زبان آموزی هم از جمله توانایی‌هایی است که کودک در طی رشد خود به دست می‌آورد و عامل «رشد داخلی» در سخن گفتن بسیار تعیین کننده می‌باشد. اگر اختلالی در روند رشد کودک ایجاد شود، مسلماً سخن گفتن او نیز به تأخیر خواهد افتاد. یعنی همان گونه که هر یک از رفتارهای کودک مانند نشستن و راه رفتن مستلزم کسب توانایی‌های خاص خود می‌باشد که تا به مرحله معینی از رشد نرسد. فاقد آن خواهد بود برای سخن گفتن نیز باید به مرحله‌ای از رشد برسد که توانایی‌های لازم را به دست آورده باشد.

۲- دستگاه گویایی: سلامت دستگاه گفتار یک دیگر از عوامل مؤثر در زبان آموزی است. دستگاه گفتار شامل دیافراگم، شش‌ها، عضلات سینه، دهان، زبان، لبها و دندانها می‌باشد. برای این‌که بتوانیم سخن بگوییم لازم است که اعضای دستگاه تکلم سالم و تکامل یافته باشند و هر کدام از اعضا اگر دچار اختلال باشد اثرش در تکلم بروز خواهد کرد.

۳- دستگاه عصبی مغز: رشد عادی کلامی با همراهی دستگاه سیستم اعصاب

به ادعای او فراغیری زبان تنها تقليد، تکرار و حفظ جملات اطراقیان نیست بلکه کودک با هدایت همان اصول کلی مربوط به ساخت زبان که جزو ذات اوست وقتی مقدمات ابتدایی زبان را فراغرفت و تعدادی واژه آموخت، با اطلاعات هر چند ناقصی که از محیط زبانی خود می‌گیرد قواعد محدودی را کشف و استخراج کرده و می‌تواند آن واژه‌ها را به شکل خلاقی برای بیان مقصد خود به کار ببرد و به همین ترتیب به سرعت زبان خود را توسعه دهد.

### نظریه شناختی

از نظر طرفداران این نظریه رشد زبان بستگی دارد به استعدادهای شناختی و پردازش اطلاعات که فطری هستند. آنان معتقدند که کودکان همه جوامع دارای توانایی‌ها و روش‌هایی در پردازش اطلاعات هستند که آنها را در آموختن زبان یاری می‌کند. در تأیید گفته خود به این مطلب اشاره می‌کنند که کودکان پیش از اینکه حتی اولین کلمه را بیان کنند دنیای پیرامون خود را تعبیر و تفسیر می‌کنند. دلیل دیگری که ارائه می‌دهند این است که کودکان ناشنوا هم بسیاری از اعمال شناختی را انجام می‌دهند هر چند که به طور کلی از لحاظ رشد زبانی عقب‌مانده هستند.

### عوامل مؤثر در رشد زبان

عوامل متعددی در رشد کلامی کودک مؤثر است که هر کدام در جای خود امپیت دارد، اما تأثیر همه آنها در رشد زبان یکسان نیست. بعضی از این عوامل را باید در اولویت دانست زیرا که بدون آنها سخن گفتن امکان‌پذیر نخواهد بود و برخی دیگر در مرتبه بعد جای دارند که تکلم را کند یا

پاداش بیشتری را در پی خواهد داشت. یعنی زبان آموزی کودک همان‌گونه است که موش با فشردن اهرم غذا به دست می‌آورد. او همچنین معتقد است که هیچ مکانیزم پیچیده‌ای یا ذهنی برای یادگیری زبان احتیاج نیست و تنها شرط لازم و کافی برای توجیه یادگیری زبان مشاهده منظم رویدادهای جهان خارج است که کودک را وادار به تولید صدای ای می‌کند.

از آنجایی که در نظریه یادگیری عامل مؤثر در رشد «تربيت» است، به همین جهت در مورد زبان آموزی هم بیشتر به عملکرد زبان می‌پردازد تا توانایی‌های زیربنایی کودک که او را قادر به فراغیری مهارت‌های کلامی می‌کند. این درست است که الگو و سرمهشق و تقویت در زبان آموزی مؤثر است ولی نمی‌توانیم آن را تنها عامل تعیین کننده بدانیم.

### نظریه نهادگرایی

نظریه نهادگرایی در فراغیری زبان به عوامل تعیین کننده فطری و زیستی زبان تأکید دارد یعنی برخلاف نظریه یادگیری به تأثیر «طبیعت» بیشتر معتقد است تا «تربيت».

«نظام چامسکی» زبان‌شناس امریکایی و از طرفداران این نظریه مدعی است که موجود انسان برای زبان آموزی از پیش برنامه‌ریزی شده و در او مکانیزم‌های مغزی ذاتی ای وجود دارد که مختص فراغیری زبان است. در کودک یک «طرح کلی» وجود دارد که وقتی در جریان رشد خود به مرحله معینی رسید آن را به کار می‌گیرد و «محیط زبانی» کودک تنها نقش یک «عامل محرک» را ایفا می‌کند.



مرکزی و اعصاب حسی - حرکتی ارتباط مستقیم دارد. هرگونه تأخیر یا اختلال در رشد و تکامل و توجه در این مورد بلوغ هماهنگ دستگاه عصبی و دستگاه گویایی است یعنی کودک تا قبل از اینکه دندانهاش کامل شود و از نظر عصبی به بلوغ نرسد نمی‌تواند کلمات را کاملاً سلیس و صحیح آدا نماید.

۴- دستگاه شنوایی: بخش اعظم گویایی به وسیله کسودک کسب شده و کنترل می‌شود. بخصوص شنیدن در این امر نقش بسیار حساسی را بر عهده دارد. برای رشد طبیعی تلکم در کودک، سه مرحله زیر باید صورت پذیرد:

(الف) گوش، توانایی دریافت صدای ای متفاوت را داشته باشد.

(ب) صدای ای دریافت شده توسط گوش به وسیله مغز تعبیر و تفسیر شود.  
ج) پس از آنکه گوش صدای ای را دریافت کرد و مغز آنها را درک نمود، دستگاه تلکم قادر به عکس العمل خواهد بود.

می‌بینیم که دستگاه شنوایی از عناصر بسیار حساسی در تلکم می‌باشد چنانچه صدمه دیدن و اختلال در عمل هر یک از قسمتهای گوش و اعصاب منتقل کننده صدا و مراکز عصبی مربوط به شنیدن در مغز اثراتی بر روی درک بیان فرد دارد. اختلال در گفتار و زبان مهمترین عارضه‌ای است که ناشنوایان به آن مبتلا هستند. در کودک ناشنوا ممکن است مراکز مغزی مربوط به زبان و دستگاه سالم باشد ولی به سبب کم شنوایی یا ناشنوایی این مراکز به تکامل نمی‌رسد و در نتیجه فرد نمی‌تواند شنیدن و گوش دادن، تلکم و زبان خود را توسعه دهد.

### هوش

رشد تلکم رابطه مستقیمی با رشد هوش عمومی دارد. از روی رشد تلکم می‌توان به هوش سخن‌گویی برد گرچه چامسکی مدعی است فراگیری زبان عمدتاً باید مستقل از هوش باشد. استعداد زبانی کودکان کم هوش چندان پایین‌تر از کودکان باهوش نیست. اما آزمایش‌هایی که روی



ارتباط کلامی چندانی هم با کودکان خود برقرار نمی‌کنند و اینها از عواملی می‌تواند بسادش که نقص مهارت‌های کلامی کودکانشان را باعث می‌شود.

### تلویزیون

رسانه‌ها بخصوص تلویزیون می‌تواند گروی رشد کلامی باشد و همچنین گنجینه لغات کودک را افزایش دهد. اما چون گوش دادن به تلویزیون جنبه انفعالی دارد بعید است که به صحت گفتار کودک کمک نماید.

عاطف خوشایند کودک همراه شود شعر خوانی، نقل داستان و خواندن کتاب نیاز از جمله کارهایی است که می‌تواند در این راه مفید باشد.

(ج) تحصیل و فرهنگ والدین را نمی‌توان بمسی‌تأثیر دانست. کودکانی که از خانواده‌های بافرهنگ و تحصیل کرده هستند معمولاً رشد کلامی بهتری نسبت به بقیه دارند.

۲- اجتماع: ارتباط کودک با افراد دیگر غیر از اعضای خانواده، میزان و نحوه این رابطه، نوع افرادی که با آنها تماس حاصل می‌کند و بازخوردهایی که می‌بیند بی‌شك در رشد کلامی او تأثیر گذار خواهد بود.

آزمایش‌هایی که بر روی دو قلوها انجام شده این مطلب را تأیید می‌کند. دو قلوها معمولاً از نظر رشد کلامی نسبت به همسالان خود عقب هستند زیرا ارتباط شخصی میان خودشان زیاد است و در نتیجه از دیگران به دلیل ارتباط کمتر، توجه و بازخورد کمتری هم دریافت می‌کنند. همچنین مادر چون به هر دو توجه دارد هر کدام از آنها بازخوردهای اختصاصی کمتری می‌بینند.

بعضی از محققان به طبقه اجتماعی نیز اشاره کرده‌اند که کودکان طبقات متوسط و بالا رشد کلامی بهتری دارند تا کودکان طبقات پایین اجتماع. از جمله این محققان «برترین‌ترین» است که می‌گویند: طبقات اجتماعی پایین‌تر با علائم زبانی محدودتری صحبت می‌کنند تا طبقات

متوسط که به نحو جامعتری از عناصر زبان برهه می‌گیرند. البته آنچه که در مورد این استدلال باید گفت این است که «عملکرد» زبانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته تا «توازن» زبانی. کودکان طبقه پایین ممکن است توانش اساسی برای به کارگیری علائم زبانی گستردگی را دارا باشند ولی آن را به کار نگیرند از طرفی طبقات پایین به دلیل مشکلات و محرومیت‌های بیشتری که نسبت به طبقات متوسط و بالا در زندگی دارند کمتر مجال توجه به کودک و رشد او از جمله رشد کلامی اش را پیدا می‌کنند و انتشارات بعثت

کودکان باهوش، متوسط و کم هوش به عمل آمده این امر را ثابت می‌کند که کودکان باهوش حرف زدن را زوینتر از افراد کم هوش آغاز کرده و گنجینه لغات و سمعی تری نسبت به بقیه دارند و جملات طولانی‌تر و با مفهوم‌تری را بیان می‌کنند. بعضی بر این عقیده‌اند که همبستگی هوش و تکلم زیادتر از همبستگی سن زمانی و تکلم است.

### عوامل محیطی

محیط زبانی کودک را می‌توان در دو قسمت بررسی کرد: ۱- خانواده ۲- اجتماع

۱- خانواده: خانواده نقش بسزایی در زبان آموزی کودک دارد و می‌توان گفت در صورت عدم ضایعه زیستی، خانواده تکمیل کودک را شکل و پرورش می‌دهد. مسایل قابل توجه در این بخش عبارتند از:

(الف) شرایط عاطفی: اگر کودک در خانه احساس امنیت نکند و از نظر عاطفی اقتناع نشود، اعتماد به نفس لازم در او ایجاد نشده و همین امر تکمیل او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کودکی که از محبت کافی والدین برخوردار نیست. کودکی که در خانه یار و همدی برای خود نمی‌باشد. کودکی که گوشی شنیدن برای حرفاهاش نیست، احساس ناممی‌نموده و این شرایط نامساعد عاطفی بیان او را چهار مشکل می‌کند.

(ب) تعامل با کودک: روابط خانوادگی در رشد کلامی بسیار مؤثر است. کودک از طریق ارتباط با دیگران طرز به کارگیری صحیح واژه‌ها و اصلاح واژه‌هایی را که به کار می‌برد یاد می‌گیرد. میزان و نحوه صحبت اطرافیان (شمرده و صحیح حرف زدن) از عناصری است که در گسترش و پیشرفت بیان کودک مؤثر است. حرف زدن با او، پاسخ دادن به سوالاتش، بازی کردن و از همه مهم‌تر گوش کردن با صبور و حوصله و اشتیاق به حرفاها وی و همزبان شدن با او نقش بالاهمیتی را در گسترش مهارت‌های کلامی ایفا می‌کند. بخصوص اگر همه اینها با ابراز حالات و رفتارهای

### منابع

- ۱- روان‌شناسی زبان - جین اچون - ترجمه دکتر عبدالخلیل حاجتی - انتشارات امیرکبیر.
- ۲- رشد و شخصیت کودک - جمعی از نویسندهای - ترجمه مهشید یاسایی - نشر مرکز.
- ۳- کودک و لکنت زبان - استانی لین و رشاد - ترجمه دکتر غلامعلی افروز - نشر کوبه.
- ۴- آموزش در دوران کودکی - برتراند اسپاک - ترجمه محمد حسین نظری نژاد - انتشارات آستان قدس.
- ۵- زمینه روان‌شناسی - دکتر محمد پارسا - انتشارات بعثت